

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹

(از ص ۱۷۹ تا ص ۱۹۸)



10.22059/jarcs.2020.266204.142618

Print ISSN: 2676-4288- Online ISSN: 2251-9297

<https://jarcs.ut.ac.ir>

A Survey of Three new finding of Sassanids Silver Vessels from Mazandaran

Mehdi Abedini Iraqi

MA in Archaeology, Islamic Azad University Central Tehran Branch

Abdul Reza Mohajeri Nejad

Assistant Professor, Archeology Research Institute, Institute of Cultural Heritage and Tourism

Mohammad Mortezaei

Associate Professor, Archeology Research Institute, Institute of Cultural Heritage and Tourism

Received: 25 September, 2018; Accepted: 9 May, 2020

Abstract

The silverware works of the Sassanid period have their own significance not only for their technological components but also because their archaeological distribution reveals how this craft was very important during the Sasanian period. Their geographical distribution from the interior and exterior territory of the Sasanians Empire also shows the degree of the influence of Sasanian art. These metal works are made in different forms and unique designs, which mostly include images of royal hunting, banquets, faces and torsos of officials, animal and mythical motifs. Mazandaran was one of the important areas for making silver vessels during this period and even years after the collapse of the Sassanian Empire. The dishes introduced in this article are from the latest silver plates obtained from Mazandaran. They are unique in terms of motifs and themes. We compare these findings with other silver works found in the other parts of Iran.

Keywords: Iran, Mazandaran, Sassanian, Silver plates, Gilt, Art.

بررسی سه ظرف سیمین نویافته ساسانی در مازندران

مه‌دی عابدینی عراقی*

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز

عبدالرضا مهاجری نژاد

استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

محمد مرتضایی

دانشیار پژوهشکده باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۰

چکیده

ظروف نقره‌ای به‌جامانده از دوره ساسانی در تاریخ هنر خاور نزدیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این آثار در نقاط مختلفی از داخل و خارج از قلمرو ساسانیان به‌دست آمده است. این آثار در فرم‌های مختلف و نقوش منحصر به فردی ساخته شده‌اند که بیشتر شامل تصاویر شکار شاهانه، ضیافت، چهره و نیم‌تنه صاحب‌منصبان، نقوش حیوانی و اسطوره‌ای می‌باشد. مازندران یکی از مناطق مهم ساخت ظروف نقره در این دوره و حتی سال‌های پس از فروپاشی ساسانیان بوده است. ظروف معرفی شده در این مقاله از جدیدترین ظروف نقره به‌دست آمده از مازندران است که دو عدد از ظروف معرفی شده در این مقاله بخش کوچکی از یک گنجینه با ارزش شامل انواع ظروف نقره، زیورآلات طلا و نقره، کلاه‌خود و غیره مربوط به دوره ساسانی می‌باشد که از شرقی‌ترین محدوده تبرستان باستان و استان گلستان امروزی نزدیک مرز کشور ترکمنستان به دست آمده است. سومین بشقاب معرفی شده که در منطقه سوادکوه مازندران به دست آمده است و از نظر نقوش و مضامین به‌کاررفته در آن‌ها منحصر به فرد می‌باشد و نگارندگان این ظروف را با توجه به نقوش و سبک ساخت و مقایسه با نمونه‌های مشابه، بررسی و تاریخ‌گذاری نسبی نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ساسانیان، مازندران، ظروف نقره‌ای، زراندود.

۱. مقدمه

در زمستان سال ۱۳۹۶ یگان حفاظت میراث فرهنگی مازندران طی دو عملیات جداگانه طولانی و پیچیده و نفوذ در باند تعدادی از حفاران غیرمجاز، موفق به توقیف این افراد به همراه گنجینه ارزشمندی از اشیای دوره ساسانی شدند. دو عدد از ظروف معرفی شده در این مقاله بخش کوچکی از یک گنجینه با ارزش شامل انواع ظروف نقره، زیورآلات طلا و نقره، کلاه خود و غیره مربوط به دوره ساسانی می‌باشد که از شرقی‌ترین محدوده تبرستان باستان و استان گلستان امروزی نزدیک مرز کشور ترکمنستان به دست آمده است. سومین بشقاب معرفی شده که در منطقه سوادکوه مازندران به دست آمده است از نظر مضامین و نقوش به کاررفته در آن در میان تمامی ظروف نمایش داده شده از دوره ساسانی در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی دنیا بی‌نظیر است.

هنر ساسانی که بیشتر هنری درباری بود در پی اثبات و پیوندش با سنن هنری دوره هخامنشی بود، دست کم در آغاز پیدایش خود تحت تأثیر فرهنگ اشکانی قرار داشته است به این دلیل که فرهنگ و هنر اشکانی در دوران پایانی خود ویژگی‌های ایرانی پیدا کرده بود. جست‌وجوی معنا در هنر ساسانی مستلزم توجه به کارکرد هنر و راه‌های استفاده از هنر در جامعه ساسانی است. هنر یادمانی ساسانیان که در نقوش برجسته صخره‌ای در سطحی وسیع نمایان است، صرفاً تجلی تفکر طبقه ممتاز است و ارزش‌ها و خواسته‌های این طبقه بوده که الهام‌بخش هنرهای تزئینی ساسانی از جمله ظروف نقره است. آثار هنری ساسانیان خواستاران زیادی در دنیای آن زمان داشت. بافت پارچه‌های ابریشمی، نقش برجسته‌ها، شیشه‌گری، گچ‌بری، زیورآلات، مهرها و دیگر آثار هنری هرکدام به‌تنهایی گویای اهمیت و حمایت ساسانیان از توسعه و پیشرفت این هنرها داشت، همچنین هنر ایران ساسانی تأثیر عمیقی بر هنر همسایگان ایران به‌جا نهاد و گسترش نمادهای دربار ساسانی از جمله نقش‌مایه‌های شکار و نقوش تزئینی جانوران به فراسوی ایران ساسانی، به‌ویژه در امتداد جاده ابریشم را تأیید این ادعا دانسته‌اند. در این میان هنر فلزکاری و ساخت ظروف فلزی و به‌خصوص نقره با تزئینات و نقوش متنوع و بی‌نظیر به اوج شکوه و پختگی هنری خود رسید که خود الهام‌بخش هنرمندان مناطق هم‌جوار ساسانیان بوده و در حقیقت هنر فلزکاری این دوره فراتر از مرزهای امپراتوری رفت و حتی بعدها در دوران اسلامی هنرمندان با تقلید از این اشیای آثار هنری فاخری آفریدند. بیشترین اشیای زرین و سیمین ساسانی در محدوده کشور روسیه و اطراف آن به دست آمده است و نمونه‌های اندکی از این ظروف در داخل مرزهای فعلی ایران کشف شده است به همین دلیل غنی‌ترین مجموعه آن‌ها در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود و در دیگر موزه‌ها و مجموعه‌ها و گالری‌های هنری، نمونه‌هایی از این ظروف البته به تعداد کمتر را می‌توان دید. از قرن نوزدهم میلادی این ظروف بیشتر مورد توجه و مطالعه قرار گرفت و برای تاریخ‌گذاری آن‌ها از دیگر آثار هنری دوره ساسانی همچون سکه‌ها، نقوش برجسته صخره‌ای و مهرها استفاده شد و به تدریج تاریخ‌گذاری نسبی و گاهی نیز مطلق برای این آثار سیمین ابراز شد (Harper, 1981: 47). بیشترین فرم‌های به کاررفته در این اشیای به شکل بشقاب‌های بزرگ مدور، سینی‌های مدور، کوزه‌هایی با پایه بلند و گلدان‌های گلابی‌شکل هستند. نقوش روی این ظروف که بیشتر آن‌ها از جنس نقره و زراندود هستند نیز راوی موضوعات گوناگونی بوده و شامل تصاویر شکارهای سلطنتی، صحنه‌های مراسم اعطاء، تاج‌گذاری، ضیافت، رقص و صحنه‌هایی با ویژگی‌های مذهبی، چهره نیم‌تنه بعضی از سرکردگان، نقش‌مایه‌هایی از حیوانات واقعی و یا خیالی می‌باشد (بوسایلی و شراتو، ۱۳۸۳: ۸۵). برخی از این ظروف دارای خط نوشته هستند که بیان‌کننده نام صاحب

ظرف و مشخصه وزن آن‌ها است ولی متأسفانه تاکنون اطلاع دقیقی از محل ساخت آن‌ها به دست نیامده است (لک پور، ۱۳۷۵: ۱۰). این مقاله در چند بخش تدوین شده است، در بخش نخست، اشاره‌ای کوتاه به جغرافیای تاریخی منطقه پشتخوارگر خواهد شد. بخش دوم شامل وضعیت فلزکاری و هنر نقره‌کاری در مازندران دوره ساسانی است و در بخش سوم به معرفی و مقایسه سه نمونه از ظروف سیمین نویافته ساسانی از مازندران و تاریخ‌گذاری نسبی با روش بررسی کتابخانه‌ای و موزه‌ای خواهیم پرداخت.

۲. پتسخوارگر

مابین رشته‌کوه‌های البرز و دریاچه بزرگی که در زمان‌های مختلف به نام‌های، کاسپین، تبرستان، گیلان، گرگان، قزوین، آبسکون، خزر و مازندران نامیده می‌شود، ناحیه‌ای با آب‌وهوای معتدل و مرطوب قرار دارد که از لحاظ اقلیمی و پوشش گیاهی با تمامی نقاط ایران تفاوت دارد. این ناحیه به خاطر تعادل آب‌وهوا و حاصلخیزی خاک از دیرباز مورد توجه انسان قرار گرفته است. سرزمینی که ساحل جنوبی دریاچه مازندران یا کاسپین را تشکیل می‌دهد در قرون اولیه حکومت ساسانی پَرشوارگر نامیده می‌شد. این نام باستانی در زمان‌های مختلف با نگارش‌هایی چون پَلتاشخوارگر، فرشوادگر، فرشوادجر و پاتشوراش نیز به کار رفته است و بنا به قول بیشتر مورخان ناحیه‌ای بزرگ‌تر از حد تبرستان بوده است. در سال ۶۷۳ ق. م سپاهیان آسارحادون شاه آشور در یک سلسله عملیات جنگی به مرزهای سرزمینی موسوم به پاتوش آری (Patush) یا پاتشوعار رسیدند (دیاکونوف، ۱۳۷۷: ۲۴۳) که جزئی از «کشور مادهای دور دست» بوده است. آسارهارون در کتیبه خود از سرزمین پاتوش آری چنین سخن می‌گوید: «اما سرزمین پاتوش آری برکران کویر نمک در خاک مادهای دور دست که کوه بیکنی (دماوند) در کنار آن نهاد است، کوه سنگ لاجورد، که هیچ‌یک از نیاکان پادشاه من پا در خاک آن نگذاشته بودند» (کامرون، ۱۳۷۴: ۱۳۲). اسناد مربوط به تاریخ اولیه پرشوارگر بسیار اندک است و هیچ اساسی را برای تهیه یک تاریخ پیوسته مشخص نمی‌کند. در کتیبه داریوش در نقش رستم نام نیزه‌دار سلطنتی شاه، گُبرپاس است و از او به‌عنوان پتیشوارش یعنی کسی که اهل سرزمین پتیشوار است نام برده شده است (کنت، ۱۳۸۵: ۱۴۰). این سرزمین در اوستا بخشی از رشته‌کوه‌های «اوی ری سنا» یا پارسن دانسته شده است. در توضیحات آریان از لشکرکشی‌های اسکندر برمی‌آید که سواره‌نظام پارت به همراه هیرکانیان و تپوریان تحت فرماندهی مشترکی می‌جنگیدند (شلدن، ۱۳۸۸: ۶۷). در کتاب جغرافیدان یونانی، استرابون با عنوان «پراخوتراس» ذکر شده که همان رشته‌کوه‌های البرز بوده و اقوام گیل، کادوسی و آماردی در نواحی شمالی آن مسکون بوده‌اند. پروکوپئوس مورخ بیزانسی نیز از کیوس برادر انوشیروان تحت نام پتسخوارشاه یاد می‌کند. (مشکور، ۱۳۷۱: ۳۲۳). بنا بر کارنامه اردشیر بابکان پشتخوارگر از بخش‌هایی بوده که برای اردوان، شاه اشکانی سپاه تهیه می‌کرده است (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۴۶). در بخش هفتم کارنامه هنگام سخن از اردوان آخرین پادشاه اشکانی در جریان تدارک جنگ با اردشیر از مناطقی که می‌بایست نیرو بسیج شود آمده: اردوان از نواحی ری، دماوند، دیلمان و پتسخوارگر درخواست نیرو و اسب کرد. این قسمت از کارنامه به‌وضوح نشان می‌دهد که منطقه جنوب دریای مازندران گرچه ایالتی تحت سلطه پارتی‌ها بوده است، لیکن خود نیروی قابل‌توجهی داشته است (چگینی، ۱۳۶۵: ۴۴). بر اساس نامه تنسر هیربد هیربدان در زمان به سلطنت رسیدن اردشیر یکم ساسانی، چشنسف یا گشنسب شاه (گشتاسب) بر پتسخوارگر حکمرانی داشته و عنوان پشتخوارگر شاه را داشته است و تنسر از او با نام جشنسف شاه یاد کرده - شاید نام برخی از شاهان یا نام عمومی شاهان این سلسله بوده

است - و او را به‌عنوان پتشیخوارگر شاه خوانده است. خاندان جشنسلف شاهی (گشتاسب شاهی) در زمان ساسانیان تا هنگام سلطنت قباد اول بر تبرستان، رویان، گیلان حکمرانی داشته‌اند. قباد شاهنشاه ساسانی حکومت تبرستان را از آنان گرفت و به فرزند مزدکی مذهب خود کیوس (کاووس) سپرد. پس از قتل‌عام مزدکیان و نبرد کیوس با خسرو اول - که منجر به اسارت و مرگش شد، (کریستین سن، ۱۳۷۴: ۲۸۰) خسرو انوشیروان حکومت بخشی از تبرستان را به خاندان سوخرا (آل قارن یا قارن وند) بخشید.

این نام در کتب مورخان اسلامی به‌صورت فرشواذگر، فرشواذجر و بدشوارگر آمده است. در قرن هفتم هجری در تاریخ تبرستان ابن اسفندیار راجع به نام فرشواذگر چنین می‌خوانیم: «حد فرشواذگر، آذربایجان و سر و تبرستان و گیل و دیلم و ری و قومش و دامغان و گرگان باشد و اول کسی که این حد پدید کرد منوچهر شاه بود» (ابن اسفندیار، ۱۳۶۶: ۵۶). این نام تا قرن نهم هجری هنوز در یادها بود چنانکه ظهیرالدین مرعشی می‌نویسد: «فرشواذگر آذربایجان و گیلان و تبرستان و ری و قومش می‌باشد» (مرعشی، ۱۳۶۱: ۱۱۱). با توجه به کوهستانی بودن منطقه موردنظر به خاندان قارن (آل سوخرا) که حاکم بخشی از فرشواذگر بوده‌اند جرشاه یا گرشاه یا ملک الجبال می‌گفتند (بیرونی، ۱۳۵۲: ۶۳).

۳. هنر نقره‌کاری مازندران

نقره‌های ساسانی در تاریخ هنر خاور نزدیک بسیار اهمیت دارد و مجموعه‌های بزرگ آن‌ها را می‌توان موزه ارمیتاژ و مجموعه‌های کوچک‌تر را در کتابخانه ملی پاریس، موزه بریتانیا، موزه برلین، موزه ایران باستان و دیگر موزه‌ها و مجموعه‌های دنیا سراغ گرفت. این آثار به‌صورت تصادفی و در مناطقی مختلفی چون ارمنستان، اورال، اوکراین، ترکیه و ایران به‌دست آمده است (چگینی، ۱۳۶۷: ۱۷). متأسفانه مجموعه ظروف نقره‌ای دوره ساسانی از طریق کاوش باستان‌شناسی به دست نیامده و در نتیجه تاریخ‌گذاری و محل کشف آن‌ها دقیقاً مشخص نشده و پاسخ پرسش‌هایی مانند این که این ظروف نقره‌ای در کجا و برای چه کسی ساخته شده هنوز مشخص نشده است. غیر از اشیاء نقره‌ای که منسوب به مازندران است و در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی مختلف دنیا قرار دارد، تعدادی ظروف نقره نیز به‌صورت اتفاقی در مازندران به دست آمده است که می‌توان از مجموعه اشیاء کشف‌شده از کلاردشت در غرب مازندران در سال‌های ۱۳۲۰ خورشیدی را نام برد. این مجموعه شامل ۲ تنگ و ۵ بشقاب نقره بود که در جعبه‌ای فلزی بدست آمده است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۶). بهترین شیء این مجموعه بشقاب نقره قلم‌زنی شده‌ای است که با توجه به نوع تاجی که شخص سوار بر اسب بر سر دارد می‌توان آن را به دوره قباد اول (۴۵۳-۴۸۸م) منتسب کرد (Azarpay, 1967: 146). در میان ظروف نقره‌ای منسوب به مازندران می‌توان سه کاسه کتیبه دار را نام برد که اولین بار گیرشمن آن‌ها را خواند و سپس متن قرائت‌شده را به چاپ رساند (Ghirshman, 1957: 81) دو عدد از کاسه‌ها بنا بر متن کتیبه متعلق به وندادهرمزد کارنی (پدربزرگ مازیار و هم‌دوره با خلفا مهدی و هادی عباسی) اسپهبد دودمان قارن وندی که با لشکریان خلیفه در سال ۱۶۳ هجری درگیر شد و در چندین نوبت پیروز شده است (اعظمی سنگسری، ۱۳۵۷: ۲۱۴) و سومین کاسه به آذرمیک شهرونان تعلق دارد که احتمالاً باید هم‌زمان با وندادهرمزد باشد (چگینی، ۱۳۶۷: ۱۸). این اشیاء می‌تواند مربوط به سال‌های پیش از قرن هشتم میلادی باشد.

از دیگر اشیای نقره‌ای مازندران، بشقاب منحصر به فردی است که در نزدیکی ساری در دهه ۳۰ خورشیدی بدست آمد و جزو یکی از زیباترین آثار نقره‌کاری ساسانی است. نقش درون بشقاب، پادشاهی را سوار بر اسب در حال شکار شیر با تیر و کمان نشان می‌دهد. تاج این شخص با تاج اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) در نقش برجسته تاق بستان قابل مقایسه است و این بشقاب زیبای نقره را نیز به این پادشاه منسوب می‌کنند (Shepherd, 1964: 70). مرحوم حاکمی آن را به هرمزد برادر شاپور دوم منسوب می‌سازد (حاکمی، ۱۳۳۴: ۳۶۰). واندنبرگ این نقش را متعلق به یکی از پسران شاپور دوم (شاید شاپور سوم) می‌داند، (تصویر ۱) در کنار این ظرف نقره‌ای یک بشقاب، یک جام و دو چنگال نقره نیز بدست آمد که روی یکی از آن‌ها نام «هرمز پسر نرکش» نقش شده است (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۷). از جمله ظروف کتیبه دار دیگر منسوب به مازندران کاسه نقره‌ای است که متن پهلوی آن چنین است: «ملک دادبرزمهر، فرماندار خراسان، پسر فرخان، پسر گیلسر» گرچه این شی در مازندران به دست نیامده است ولی صاحب آن بدون تردید اسپهبد دادبرزمهر پسر فرخان از اسپهبدان تیرستان است.

از نمونه‌های ظروف نقره مازندران در موزه ایران باستان می‌توان به دو بشقاب نقره‌ای با صحنه شکار به شماره ۱۲۷۵ و ۲۱۷۱، بشقاب نقره با نقش قرقاول در وسط، مکشوفه از کلاردشت به شماره ۲۹۴۷، کاسه کتیبه دار نقره با نقش نوازندگان به شماره ۷۷۵۷، صراحی یا تنگ نقره‌ای از کلاردشت به شماره ۲۵۰۰ و تعداد زیادی ظروف زیبا و از نظر هنری کمیاب که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند. با توجه به مطالب گفته شده می‌توان نتیجه گرفت که در دوره ساسانی مناطق جنوبی دریای مازندران (پتسخوارگر، تیرستان، گرگان) کارگاه‌های نقره سازی و هنر قلم‌زنی از رواج و رونق خوبی برخوردار بوده و کارگاه‌های ساخت ظروف فلزی از جمله نقره در طول مدت حکومت ساسانیان ادامه داشته و پس از سقوط دولت مرکزی در زمان حکام و اسپهبدان تیرستان نیز این حمایت از هنرمندان تا سال‌ها ادامه داشته است. در این میان تعداد اشیای نقره‌ای یافت شده نشانگر این حقیقت است که مازندران بی‌تردید یکی از مراکز ساخت این آثار هنری در دوران ساسانی و دو قرن نخستین اسلامی بوده است و باید کوشش شود تا ویژگی‌های این سبک هنری به جهت هر چه روشن‌تر شدن نقاط تاریک مطالعات فلزکاری و خصوصاً نقره‌کاری ساسانی شناخته شود. بدیهی است که جمع‌آوری و انتشار اطلاعات موجود در زمینه به هر چه روشن‌تر شدن باستان‌شناسی و تاریخ مازندران و به دنبال آن دولت ساسانی راه گشا باشد.

۳-۱. بشقاب

جنس: نقره زراندود. نحوه ساخت: چکش‌کاری، کنده‌کاری، طلاکاری. ارتفاع: ۴/۸ سانتیمتر. قطر دهانه: ۲۲/۵ سانتیمتر. قطر کف: ۷ سانتیمتر. وزن: ۵۶۱/۱ گرم. شماره شی در دفتر اموال اداره کل میراث فرهنگی مازندران: ۱۴۱۹۴

این بشقاب بر پایه‌ای حلقوی به ارتفاع ۱/۲ سانتیمتر و به قطر ۷ سانتیمتر قرار گرفته است. سطح خارجی ظرف ساده و بدون هرگونه نقش و یا نوشته‌ای می‌باشد. سطح داخلی بشقاب طرحی قلم‌زنی شده به شکل زراندود دیده می‌شود و نشان‌دهنده فردی پیاده است که بدن وی از روبرو نقش شده است ولی به سمت چپ خود می‌نگرد و درحالی‌که استوار در جای خود ایستاده است با کمندی بلند در حال گرفتن اسبی سرکش است. پادشاه برای اینکه کمند را محکم‌تر در اختیار بگیرد آن را یک دور به دست راست خود پیچانده و با

دست چپ در حال مهار اسب می‌باشد. کمند کاملاً دور گردن اسب پیچیده و اسب برای رهایی از آن به روی دو پای خود ایستاده و دست‌ها را بلند کرده است (تصویر ۲-۴). او لباسی بلند به تن دارد که در قسمت جلو و احتمالاً عقب بلندتر از دو طرف است در حقیقت لباس از دو طرف چاک‌دار و برای نشان دادن چین‌وچروک لباس از روش قلم‌زنی با نیم قلم ضعیف استفاده شده است. شلواری گشاد و نسبتاً پرچین که در بیشتر نقوش شاهان دوره ساسانی دیده می‌شود به پا دارد که بسیار مناسب برای سوارکاری می‌باشد و تا قوزک پا را پوشانده است. سینه‌بند یا یراقی به تن دارد، در وسط این سینه‌بند مدال بزرگی دیده می‌شود که به وسیله نوارهایی که از زیر بغل رد شده و جلو در جای خود محکم نگاه داشته شده است و در قسمت پشت نیز روبانی از این یراق آویزان است. یکی از مهم‌ترین نمادهای عضویت در خاندان سلطنتی منقش بر ظروف نقره‌ای، یراق پوشیده شده در بالاتنه شکارچیان سلطنتی می‌باشد (تصویر ۵). این یراق‌ها تشکیل شده بود از نوارهای مورب شانه که به یک نوار افقی در گرداگرد قسمت فوقانی سینه متصل می‌شد. محل تلاقی نیز در جلو توسط یک قپه مرکزی یا یک گل سینه مشخص می‌گردید و در قرن چهارم میلادی جزئی از لباس سلطنتی شده بود (السی، ۱۳۸۲: ۹۷). فرد ایستاده کمربندی به دور کمر دارد که به آن حمایلی جواهرنشان بسته شده و شمشیر وی نیز در غلافی خود قرار گرفته و از جلو به شکل عمودی آویزان است کمربند، حمایل، قبضه و غلاف شمشیر دارای تزیینات مرواریدی است این‌گونه از حمایل‌ها، کمربندها و شمشیر بستن را به کرات در نقوش دوره ساسانی و حتی سرستون‌های این دوره مشاهده می‌کنیم (مرادی، ۱۳۸۱: ۴۰) (تصویر ۶). کفش‌ها نیز دارای تزیینات بوده و برگه‌های پهن آن روی کفش به هم گره‌خورده و به شکل یک پاپیون در آمده است (تصویر ۷). فرد تصویر شده در این بشقاب به شکل نیم‌رخ و بدون ریش و تقریباً جوان نشان داده شده (در قسمت صورت دچار اکسید شده و قطعاً پس از پاک‌سازی مشخص‌تر خواهد بود)، چشم و ابرو نسبت به اندازه صورت تقریباً درشت تصویر شده است، بینی خوش‌فرم و متناسب است. موها فر خورده در پشت گردن به شکل خیلی ساده جمع شده و فاقد هرگونه آرایشی می‌باشد. پوشش سر او از یک تاج مورال با یک شاخ قوچ در جلو و یک گوی که در نوک تاج قرار گرفته است (تصویر ۸). این نوع از تاج مزین به شاخ قوچ تاکنون در هیچ‌یک از سکه‌های پادشاهان ساسانی دیده نشده است. قوچ یکی از مظاهر حیوانی ایزد بهرام و نشانه و سمبلی از پیروزی است و تصویر قوچ نمودار خورنه یا فرّ کیانی است که به کرات در هنر ساسانی بر ظروف نقره، منسوجات، مهرهای سنگی متعلق به اقشار مختلف مردم و تزیینات معماری ساسانی دیده می‌شود (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۱۱) و در بناهایی همچون کاخ ساسانی تپه حصار (تصویر ۹) (اشمیت، ۱۳۹۱: ۴۲۴) و یا در بناهای ساسانی بدست آمده از عراق (تصویر ۱۰) (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۱۰)، چنانکه امیانوس مارسلینوس نیز اشاره می‌کند شاپور دوم در نبرد خود در برابر رومیان، کلاهی از شاخ قوچ که زران‌دود و جواهرنشان بود بر سر می‌گذاشته است (ایازی، بی تا: ۲۴). در شرق امپراتوری ساسانی، شاهان کوشانی - ساسانی تاج‌هایی داشتند که به سر جانوران و پرندگان ختم می‌شد و مشابه کلاه‌های درباری است که در سنگ‌نگاره‌های ساسانی به خصوص بهرام دوم در نقش رستم نشان داده شده است، به خصوص کلاه‌هایی عمومیت بیشتری داشتند که به سر شیر منتهی می‌شده‌اند و در سکه‌های هرمز کوشانشاه دیده می‌شود (سرخوش کرتیس، ۱۳۹۶: ۱۶۹). شاهان کوشانی - ساسانی شیر را احتمالاً به‌عنوان نمادی از آن‌ها به کار می‌بردند، از سویی دیگر، قوچ که در تاج بهرام کوشانشاه دیده می‌شود در بهرام یشت به‌عنوان یکی از اشکال ورث‌رغنه توصیف شده است و با فره و تقدیر شاهی همراه است (Tanabe, 1993: 80).

فرّه به شکل‌های مختلف تجسم می‌یافت و گاهی به شکل قوچ بود که نمونه آن را در نجات اردشیر از شر تعقیب اردوان پنجم می‌توان دید (سایکس، ۱۳۷۰: ۵۳۴). نمونه‌هایی از این‌گونه تاج را همچنین می‌توان در تعدادی از سکه‌های کوشانی - ساسانی بهرام چهارم مشاهده کرد (تصویر ۱۱). روی این سکه‌ها کتیبه‌ای به خط کج و خوابیده باختر (بلخ) ضرب شده است که مضمون آن چنین است ((خدایگان بهرام، بزرگ کوشان شاه)) که منظور از بهرام، بزرگ کوشانشاه همان بهرام چهارم است که پیش از نشستن بر تخت سلطنت (۳۸۸-۳۹۹ م) بر سرزمین‌های شرقی ایران فرمانروایی داشت (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۸۲). نمونه دیگری از این فرم تاج مربوط به بشقاب نقره‌ای مشهوری است که در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود و در نقش روی آن، احتمالاً بهرام شاه در حال شکار گراز است، شاهزاده بهرام را به حالتی نشان می‌دهد که سر وی مزین به شاخ خای قوچ است. وی همین کلاه شاخ‌دار را زمانی که کوشانشاه می‌شود نیز حفظ می‌کند. (تصویر ۱۳ و ۱۲)، (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۱۸۶). از روی تاج او می‌دانیم که او بهرام کوشان شاه، ولیعهد ساسانی که در شرق نایب‌السلطنه بوده یا بهرام اول در زمان سلطنت پدرش هرمزد اول (۲۷۳-۲۷۲ م) و یا بهرام دوم در زمان سلطنت پدرش بهرام اول (۲۷۳-۲۷۶ م) بوده است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۲۸). این نمونه که از ناحیه پرم در روسیه کشف شده است بهرام کوشانشاه را در حالی که کلاه یا تاجی شبیه به سر قوچ بر سر دارد نشان می‌دهد و محققین با توجه به سبک تزیینی به‌کاررفته در نقش شکارچی این بشقاب و عناصر ترکیب دهنده نقوش، این ظرف را به یک کارگاه صنعتی شرقی طی قرن چهارم میلادی نسبت می‌دهند (Harper, 1981: 224). در بشقاب نویافته مورد بحث نیز نوع تاج شبیه به تاج‌های ساسانی - کوشانی می‌باشد ولی بسیار ساده نقش شده است و شاید بتوان گفت تقلیدی از این نوع تاج است. قلم‌زنی روی ظرف با تکنیک خط و خراش با قلم نیم بُر و ایجاد عمق و فضای منفی بر سطح فلز ساخته شده است. پهنا و عمق قلم یکسان و متناسب و نشان‌دهنده مهارت استادکار آن است. از نظر موضوعی این نوع نقش یعنی رام کردن حیوانات در میان بشقاب‌های دوره ساسانی کمتر دیده شده است و نمونه قابل‌مقایسه با آن را از نظر تکنیک ساخت و نوع نقش می‌توان به یک بشقاب نقره در موزه ارمیتاژ که در آن شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م) در حال شکار گورخری نشان داده شده است (تصویر ۱۴) و دارای نوشته‌ای پهلوی با مضمون «اموال قاضی اسپندارمذ» است، اشاره نمود. البته در نوع پوشش و لباس و تاج متفاوت از یکدیگر هستند ولی در نوع و سبک کمند انداختن و مهار حیوان کاملاً مشابه هم می‌باشند (Harper, 1981: 230). با توجه به فرم و تکنیک ساخت، نوع نقش، تاج، نوع لباس و مقایسه با نمونه‌های مشابه می‌توان بشقاب نویافته نقره زراندود را به قرن چهارم میلادی نسبت داد. سادگی و طرح نه‌چندان قوی این ظرف بیشتر شبیه به ظروف معروف به شهرستانی دوره ساسانی است که به دستور حکمرانان محلی از روی ظروف فاخر ساخته شده در کارگاه‌های سلطنتی تقلید شده است.

۳-۲. کاسه

جنس نقره. نحوه ساخت: چکش کاری، کنده کاری، ریخته‌گری. ارتفاع: ۶/۸ سانتیمتر. قطر دهانه: ۲۱ سانتیمتر. وزن: ۵۹۶۱/۵ گرم. شماره شی در دفتر اموال اداره کل میراث فرهنگی مازندران: ۱۴۱۹۲. استادان فلزکار دوره ساسانی، کاسه‌هایی متعدد با شکل‌های گوناگون می‌ساخته‌اند. کاسه‌های نیم کرومی عمیقی که با سرها یا نیم‌تنه‌های محصور شده در مدال تزیین گشته‌اند گروه مشخصی از ظروف نقره دوران

اولیه ساسانیان را تشکیل می‌دهد (گانتز و جت، ۱۳۸۳: ۳۶). کاسه نویافته نیز کروی شکل، بدون پایه بوده و سطح خارجی آن دارای دواير تودرتویی است که از مرکز شروع و به کناره‌های ظرف ختم می‌شود. مدال بزرگ مرکزی ظرف به قطر ۹ سانتیمتر نیم‌تنه مردی است که از نیم‌رخ راست نشان داده شده است، این نیم‌تنه بر طرحی از برگ‌های احتمالاً کنگر قرار گرفته است. این مرد ریشی بلند و نوک تیز دارد و برخلاف دیگر نیم‌تنه‌های این شکلی دوره ساسانی که دارای ریشی مجعد می‌باشند ریش وی صاف و فاقد موج است. آرایش سر او به صورت موهای فر خورده بلند است که از بالای سر آغاز شده و تا روی شانه‌اش ادامه پیدا می‌کند. بر پیشانی‌اش یک نوار با تزیینات مرواریدی بسیار ریز بسته شده که ادامه آن در پشت سر به اهتزاز در آمده است و گوشواره تک مهره‌ای بزرگی در گوش دارد. گردن کلفت و در جلو آن چین خورده می‌باشد. یقه پیراهن کاسه‌ای و دارای نواری پهن است، لباس در قسمت سرشانه دارای تزییناتی به شکل برگ کنگر می‌باشد و چین‌های پیراهن نیز با خطوط عمودی و نیم‌دایره نشان داده شده است (تصاویر ۱۶ و ۱۵).

این سبک از ظروف نقره ساسانی در چندین فرم دیده می‌شود، در تعدادی از این ظروف مدال نیم‌تنه مرد یا زنی در وسط قرار گرفته و اطراف تصویر با خطوط برجسته دواير متحدالمرکز تا لبه ظرف تزیین شده است (تصویر ۱۷). در برخی دیگر از این آثار خطوط متعدد شعاعی عمود بر تصویر زمینه ظرف را پوشانده است (تصویر ۱۸) (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۳۰). نمونه‌ای از این‌گونه ظروف دارای تزیینات مرواریدی در داخل ظرف و دورتادور مدال و پرتره وسط می‌باشد که می‌توان از کاسه نقره اوایل ساسانی (اواخر سده سوم - اوایل سده چهارم میلادی) موزه هنر سینسیناتی به‌عنوان نمونه نام برد. (تصویر ۱۹) کاسه نویافته معرفی شده در این مقاله فاقد تزیینات شعاعی و یا دواير می‌باشد و داخل ظرف پس از مدال وسط، تا لبه ساده بوده و فاقد تزیین است، ولی در پشت کاسه دواير متحدالمرکز دیده می‌شود و می‌توان آن را به فرم‌های پیشین اضافه نمود. کاسه‌هایی با این سبک ساخت در غرب ایران در نزدیکی کرمانشاه نیز بدست آمده است و ریچارد فرای آن‌ها را معادل با دوره اشکانی معرفی کرده است (Frye, 1954: 144). هارپر سال‌ها بعد این کاسه‌ها و مدال‌های داخل آن‌ها را مورد مطالعه کامل قرار داد و قدمت آن‌ها را قرن سه و چهار میلادی و مربوط به سده اول حکومت ساسانیان اعلام کرد (Harper, 1981: 35). هرچند که تقریباً مدرکی برای تاریخ‌گذاری دقیق این اشیا به‌طور قاطع و محکم وجود ندارد.

پرتره شاهزادگان و نجیب زادگان بر روی ظروف نقره‌ای بیشتر در قرن سوم و اوایل قرن چهارم میلادی رواج داشت و از اواسط این قرن صحنه‌های شکار جایگزین آن شد که در انحصار پادشاه بود و شواهد نشان می‌دهد که از قرن چهارم تا ششم میلادی هیچ‌کس جز شاه و خانواده‌اش را در ظروف نقره نشان نداده‌اند (Harper, 1974: 80). این ظروف نقره از نواحی جنوبی عراق تا دشت‌های آلتایی در جنوب سیبری، قفقاز و دامنه‌های اورال، افغانستان تا پیشاور پاکستان و حتی شمال هند به‌طور پراکنده و معمولاً اتفاقی و خارج از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی کشف شده است. این ظروف به مناسبت وقایع و پیش‌آمدهای تاریخی که متأسفانه بر ما روشن نیست، به دستور شاهان، شاهزادگان و حکام محلی در محدوده ایران ساسانی ساخته شده است و تعدادی نیز خارج از محدوده دولت ساسانی در غرب کوه‌های اورال یافت شده‌اند که احتمالاً باید به‌عنوان پیشکش و هدیه از طرف دربار ساسانی به این نواحی فرستاده شده باشند (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). محتمل‌ترین نتیجه‌گیری این است که تصاویر موجود بر کاسه‌های مدال دار، تصویر افرادی برجسته می‌باشد؛

زیرا این نقوش دارای تزیینات ویژه و منحصر به فردی هستند و موقعیت اجتماعی ویژه این افراد از روی جزئیات آرایش سر و نحوه پوشیدن لباس کاملاً مشخص است. این سبک از تصویرسازی از بزرگان و افراد برجسته دوره ساسانی تقریباً هم‌زمان با این کاسه‌های نقره را در بناهایی با تزیینات گچی به شکل سردیس و تندیس می‌توان دید و نمونه آن را در خانه اربابی حاجی آباد فارس (Azarnoush, 1983: 174) می‌توان مشاهده کرد که از نظر آرایش و نوع لباس و سبک چهره‌آرایی شباهت بسیاری با افراد داخل مدال ظروف نقره ساسانی دارد (تصویر ۲۰). همچنین در مهرهای اوایل دوره ساسانی که مربوط به بزرگان و صاحب‌منصبان می‌شد نیز همین سبک از تصاویر را می‌شود دید (Brunner, 1978: 53) و می‌توان گفت در سده اول حکومت ساسانیان نشان دادن چهره افراد در ظروف نقره، گچ‌بری‌ها، مهرها و تا حدودی نقش برجسته‌ها از این شیوه پیروی می‌کرده‌اند و به‌عنوان نمونه می‌توان به نقش برجسته بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳م) در نقش رستم اشاره کرد که در آن تعدادی از درباریان و بزرگان به همین سبک نشان داده شده‌اند (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۲۲۲). در خصوص کاسه نقره نویافته با توجه به مطالب بالا و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه می‌توان تاریخی در حدود قرن سوم میلادی برای آن در نظر گرفت.

۳-۳. بشقاب

جنس: نقره، نحوه ساخت: چکش‌کاری، کنده‌کاری. ارتفاع: ۴ سانتیمتر. قطر دهانه: ۲۴ سانتیمتر. وزن: ۳۶۴/۸ گرم. شماره شی در دفتر اموال اداره کل میراث فرهنگی مازندران: ۱۴۲۳۶.

این بشقاب نقره نویافته؛ یکی از منحصر به فردترین ظروف شکار دوره ساسانی می‌باشد که در سوادکوه مازندران بدست آمده و با توجه به اینکه تاکنون در هیچ‌یک از منابع و موزه‌ها نقش پادشاه در حال شکار عقاب گزارش نشده است از این نظر معرفی این بشقاب نقره بسیار حائز اهمیت است.

نقش داخل بشقاب روایت کننده شکار یک خرگوش به وسیله عقاب و شکار عقاب توسط پادشاه با تیر و کمان می‌باشد. پادشاه سوار بر یک اسب زیبا با تمام توان، زه کمان را کشیده و کمان تا حد امکان خم شده است. نقش داخل بشقاب را می‌توان به دو حالت روایت کرد. نخست اینکه عقابی یک خرگوش را به چنگال گرفته و با بال‌های گشوده پرواز کرده است و پادشاه سوار بر اسب نیز با تیر و کمان آماده شکار عقاب است و عقابی دیگر برای شکار خرگوش دوم که در زیر یک درخت خود را پنهان کرده با بال‌های جمع شد شیرجه زده ولی موفق به شکار خرگوش نشده است و در حقیقت نقش روایت کننده جنگ‌وگریز دو عقاب و دو خرگوش و شکار شاهانه می‌باشد.

روایت دومی که با دیدن تصاویر این بشقاب در ذهن بیننده نقش می‌بندد می‌تواند حاکی از این باشد که نقش داخل بشقاب روایت کننده داستان یک عقاب و یک خرگوش و پادشاه می‌باشد، به شکلی که عقابی خرگوشی را شکار کرده و چنگال‌های خود را محکم در پشت شکار خود فرو برده است و خرگوش نیز با پاهایی آویزان به همراه عقاب به هوا رفته است و در این زمان پادشاه داستان با اسب و تیر و کمان خود در نقش منجی نمایان شده و با شکار عقاب خرگوش اسیر را نجات می‌دهد و در حقیقت عقاب پایین تصویر همان عقاب شکارچی در حال پرواز است که اکنون با تیر پادشاه سرنگون شده و خرگوش نیز خود را به نقطه امنی در زیر درختی بلند رسانده است (تصویر ۲۱).

در داخل ظرف، شاه درحالی که سوار بر اسب می‌باشد و صورتش از سمت راست نشان داده شده و دارای ریشی مجعد و کوتاه است نشان داده شده و با کمانی کشیده در دست در حال شکار عقاب است. او یک تاج کنگره‌دار با یک هلال مرکزی و قبه‌ای بر روی هلال و یک هلال کوچک‌تر در جلوی تاج بر سر دارد (تصویر ۲۲). در زیر تاج نوارهایی که در فرهنگ ساسانیان به‌عنوان و نشانه پادشاهی از طرف خداست بسته شده و ادامه آن نیز در پشت شاه در اهتزاز است. دیهیم معمولاً در نقش برجسته‌ها و نقوش دوره ساسانی دور تاج پادشاهان بسته می‌شد و هنگام نمایش شاه در حالت حرکت در پشت سر او به شکل افراشته نشان داده می‌شد و گاهی اعضای دودمان سلطنتی، امیران فرودست و اشراف از نوع کوچک‌تری از دیهیم با گره کوچک‌تر استفاده می‌کردند (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۲۵). نوع تاج، با تاج دو تن از پادشاهان ساسانی قابل‌مقایسه است و نمونه‌های مشابه تاج تصویر شده در بشقاب را در سکه‌های پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م)، (تصویر ۲۳) و به‌خصوص سکه‌های دوره اول پادشاهی قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م)، (تصویر ۲۴)، (آورزمانی، ۱۳۸۴: ۹۴) و بشقاب پیروز یا قباد اول در موزه متروپولیتن می‌توان مقایسه کرد (تصویر ۲۵ و ۲۶)، (Harper, 1981: 218). شاه پیراهنی پرچین با آستینی بلند که تا مچ دستش را پوشانده بر تن دارد. مانند بیشتر نقوش شاهانه در ظروف سیمین و نقش برجسته‌ها سینه‌بند یا یراقی با مدالی بزرگ در وسط سینه شاه و روی پیراهن خودنمایی می‌کند و همان‌طور که در مورد بشقاب اول توضیح داده شد یکی از مهم‌ترین نمادهای عضویت در خاندان سلطنتی منقش بر ظروف نقره‌ای، یراق پوشیده شده در بالاتنه شکارچیان سلطنتی می‌باشد. این یراق‌ها تشکیل شده بود از نوارهای مورب شانه که به یک نوار افقی در گرداگرد قسمت فوقانی سینه متصل می‌شد. محل تلاقی نیز در جلو توسط یک قبه مرکزی یا یک گل سینه مشخص می‌گردید. شاه کمربندی مرصع در کمر دارد و شلوار سلطنتی و گشاد او که تا مچ پا را در بر گرفته نیز از خصوصیات بارز لباس‌های سلطنتی دوره ساسانی است که توسط هنرمند نقره‌کار به‌خوبی نقش شده، کفش‌ها با روبان‌هایی بلند دیده می‌شود و نمونه‌های این نوع جامه سلطنتی ساسانی برای اولین بار در حجاری‌های دارابگرد شناسایی شد که در نقوش موجود، هم شاهان و هم ایزدان آن را به تن کرده‌اند و در روزگار شاپور اول بسیار رواج یافته، به‌صورت عرف درآمده بود و جامه رسمی سلطنتی در نقوش صخره‌ای و ظروف (صحنه شکار) در اواخر قرن چهارم به شمار می‌آمد و هرچه به پایان دوره ساسانیان نزدیک می‌شویم پر آذین‌تر و دارای تزیینات بیشتری می‌شود (السی، ۱۳۸۲: ۹۳). تیردان در سمت راست و قبضه شمشیر کمی بالاتر از کمر اسب شاه در سمت چپ آویزان است. دویدن چهارنعل اسب زیبای شاه به‌خوبی با حرکات موزون سر و گردن و دست‌ها و پاها نشان داده شده و یال پرپشت او نیز با روبانی تزیین شده است. روانداز زین دارای طرحی به شکل خطوط موازی و یک حاشیه کار شده و ضخیم‌تر می‌باشد. پنج مدال در سمت راست اسب از نوارهای یراق اسب آویزان است دم اسب بافته شده و از آن نوارهایی آویزان است. دو عدد کلمپه از پشت کفل اسب در حال تاخت در اهتزاز است. در مجموع تزیینات اسب و یراق‌آلات اسب کاملاً با نمونه‌های مشابه در هنر ساسانی مطابقت و مشابهت دارد (تصویر ۲۷-۲۹). در حاشیه داخلی بشقاب ردیف منظمی از برگ و خوشه انگور (تصویر ۳۰) که خود از شاخصه‌های پرکاربرد تزیینات دوره ساسانی بر روی ظروف و آرایه‌های وابسته به معماری و گچ‌بری‌های زیبای این دوره است دیده می‌شود و نمونه‌های قابل‌مقایسه می‌توان به ظروف نقره‌ای در موزه بریتانیا شامل گلدان نقره مزین به صحنه انگورچینی به شماره موزه WAA124094 و بشقاب مزین به صحنه ضیافت و درختان انگور به شماره موزه OA1963-12-10 که در سال ۱۸۹۳ در مازندران بدست

آمد اشاره کرد (Dalton, 1964: 67) و در معماری نیز از شرق تا غرب امپراتوری ساسانی این گونه تزیینات را می توان دید (تصویر ۳۱ و ۳۲) (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۰۴). اگر بخواهیم جمع بندی مختصری در مورد این بشقاب نقره زیبا و نقش داخل آن ارائه دهیم باید گفت طبق حکمت متعارف زرتشتی، بهترین پادشاه فرمانروایی است که در نقش رئیس حکومت و نگهبان دین، عدالت و نظم می آفریند. او همچنین شکارچی قهرمان و برترین جنگجو است. بهترین انسان کسی است که عقاید او را دنبال می کند و راستگو و مودب است. بهترین زن، وفادار و خوش خو، زیبا و جوان است. بهترین دام گاو نر با گله ای از گاوهای ماده است. بهترین اسب، تیزروترین؛ بهترین گیاه انگور، خرما و گندم است و... (آذری، ۱۳۹۲: ۱۱۳) و با توجه به این حکمت، تصویرپردازی در هنر ساسانی و هنرهای تزیینی، نقش مایه های جانوری چون اسب، قوچ، شیر، گراز، عقاب و دیگر حیوانات و گیاهان سودمند از جمله انار، انگور، خرما از نظر فرهنگی، اقتصادی و مذهبی حائز اهمیت بسیارند. گذشته از این، آن ها تجلی نویدها و نعمت های زندگی هستند و بهترین آن ها در هنر ساسانی تجلی شده اند و بی تردید شکوهمندترین پادشاه، جنگجویی دلاور و شکارچی ای زبردست، قهرمان، تاجدار و سرافراز است و بدون تردید بهترین مرکب، اسبی است که مظهر سرعت باشد و با زین و برگ آراسته شاه را همراهی کند و سرانجام درخت تاک و میوه پرخاصیت انگور می تواند کنایه از سخاوت باشد. بدین ترتیب نقش مایه های تزیینی ساسانی از جمله جانوران و گیاهان و نقوش انسانی و بن مایه های تمثیلی از جمله شکار شاهانه را می توان با استعاره های بصری تفسیر کرد که دیدگاه های اجتماعی - مذهبی ایرانیان را در دوران ساسانی دربر دارد. نکته ای که شایان توجه است اینکه تاکنون هیچ یک از ظروف دوره ساسانی شاه را در حال جنگ با دشمنی انسانی نشان نداده است (یارشاطر، ۱۳۸۰: ۶۶۲) و یک نمونه ای هم که در موزه آذربایجان به نمایش درآمده است در اصالت آن شک و تردیدهایی وجود دارد.

۴. نتیجه

جایگاه نقره ساسانی در تاریخ هنر خاور نزدیک همواره اهمیت زیادی داشته است. از مجموعه بزرگ ظروف سیمین در موزه ارمیتاژ و مجموعه های کوچک تر در موزه های دیگر تاکنون متخصصین و کارشناسان مطالب بسیاری در چگونگی و چرایی ساخت این ظروف منتشر کرده اند. این ظروف در گستره ای از ارمنستان، کوه های اورال، اوکراین، آسیای صغیر، ایران، افغانستان تا هند بدست آمده است ولی نه تنها در مورد تاریخ ساخت آن ها بلکه محل ساخت آن ها نیز تاکنون تردیدهای بسیاری مطرح گردیده است و از آنجایی که تقریباً بیشتر این ظروف از حفاری های غیرمجاز و یا تصادفی در ایران و نقاط دیگر بدست آمده و آگاهی روشنی مگر اینکه خاستگاه ایرانی دارند به ما نمی دهد. ظروف نقره نویافته و معرفی شده در این مقاله از این جهت دارای اهمیت هستند که نقوش روی این ظروف در میان نمونه های ساسانی منتشر شده از موزه ها و مجموعه های خصوصی تاکنون دیده نشده و یا دارای نمونه های مشابه اندکی می باشند. در تاریخ مطالعات جدی این نوع از ظروف نقره که با انتشار اطلس مشهور ظروف سیمین و زرین خاورزمین در سال ۱۹۰۹ میلادی توسط اسمیرنوف آغاز گردید و تا امروز نیز به وسیله افراد متخصص در موزه ها و کشورهای مختلف ادامه یافته و مطالب فراوانی به شکل کتاب و یا مقاله منتشر گردید، سه گروه عمده ظروف دوره اولیه، میانی و واپسین ساسانی معرفی شده اند. گروه اولیه با نیم تنه ای در مرکز ظرف به شکل یک مدال تزیین شده است، کاسه ها

مدور و بدون پایه بوده و این نقوش معمولاً یک اشراف‌زاده مهم که ظاهراً ظرف به دستور او ساخته شده بود را نشان می‌دهد و بیشتر در سده اول حکومت ساسانیان ساخته می‌شده است. از این دست ظروف تاکنون کمتر از چهل عدد با اندک تفاوتی با یکدیگر از موزه‌های مختلف گزارش شده است و کاسه نویافته نیز پس از معرفی به این گروه افزوده می‌شود. در مرحله میانی که از دوران پادشاهی شاپور دوم آغاز شده و تا قرن پنجم میلادی ادامه یافت و دو بشقاب معرفی شده در این مقاله در این گروه قرار می‌گیرد، ظاهراً حمایت اختصاصی منع شده و دولت انحصار تولید آثار هنری نقره را در دست گرفت. در این دوره شاه به صورت سواره و یا پیاده در ستیز با انواع شکارها از جمله شیر، گراز، قوچ، گوزن و دیگر حیوانات نمایش داده شده است. صحنه‌هایی که در آن شاه را در حال شکار نشان می‌دهد احتمالاً برای مقاصد خاصی تولید می‌شده‌اند. از صحنه‌هایی که شاه را با نیزه، شمشیر، کمان یا کمند در حال شکار نشان داده می‌شود برداشت‌های گوناگون می‌توان کرد. صحنه‌هایی چون پیروزی بر بدی‌ها و مرگ که همچون جانوران وحشی بازنموده می‌شوند، نبرد میان دو اصل بدی و خوبی و پیروزی نیروی خوبی بر بدی در نظر گرفته شده‌اند و هرگاه بر این عقیده باشیم که بازنمایی های شاه در حال شکار دارای چنین بار معنایی بوده و این نقوش شکل بسیار محدود تبلیغ شاهی را که نقوش برجسته صخره‌ای آن را تصویر می‌کردند تکمیل می‌ساختند، در این صورت باید بیشتر این ظروف را متعلق به تاریخی از سده سوم تا پایان سده پنجم میلادی بدانیم. سنت ساخت این‌گونه ظروف بر اساس شواهد و آثار برجای‌مانده در تمام دوران ساسانی و حتی تا مدتی پس از آن کم‌وبیش ادامه داشته است و شامل گروه سوم از این آثار می‌باشد. این گروه شامل اشیاء نقره‌ای دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی است که در این دوره نقش‌مایه‌ها تا حدودی قراردادی شده و تحول داخلی آن اندک و بیشتر تقلیدی شده است به همین دلیل دیگر مشخصه‌هایی همچون نوع تاج نمی‌تواند کمک مطمئنی به تاریخ‌گذاری دقیق باشد. همچنین نیز باید خاطر نشان کرد طبقه‌بندی و گاه‌نگاری از موضوعات اصلی نخستین آثار منتشر شده در مورد ظروف نقره ساسانی بوده است و سال‌یابی ظروف نقره ساسانی بر اساس نقش پادشاهان، از طریق مقایسه تاج‌های آن‌ها و نقوش روی سکه‌های ساسانی از همان آغاز شیوه‌ای تثبیت شده بود و هنوز هم اعتبار دارد. با این حال دشواری‌های همیشگی در تعیین گاه‌نگاری بر اساس فقط این ویژگی موضوع مقالات زیادی شد که تاج‌های منقوش در نقش برجسته‌های صخره‌ای و ظروف ساسانی همواره با نقوش سکه‌های رسمی مطابق نیستند و نبود مدارک روشن باستان‌شناسی مانعی جدی بر سر راه تلاش برای تعیین گاه‌نگاری و طبقه‌بندی ظروف ساسانی و نوع ساسانی ایجاد می‌کند. متأسفانه هنوز این واقعیت وجود دارد که فهرست اشیاء نقره‌ای مکشوف از کاوش‌های باستان‌شناسی در خاور نزدیک که محل کارگاه‌های ساسانی بودند، بسیار کم است و همچنان تقریباً همه این آثار گران‌بها در نتیجه کاوش‌های غیرمجاز یا تصادفی به دست می‌آید. در پایان نیز نگارندگان اعلام می‌دارند که این مقاله در حد معرفی این سه اثر نویافته می‌باشد و امید آن است که پژوهشگرانی که در زمینه آثار فلزی دوره ساسانی صاحب نظر هستند بیشتر به آن بپردازند و همچنین به دلیل فراهم نبودن شرایط آزمایشگاهی جهت آنالیز و مطالعات فلزشناسی امید است بتوان در آینده در مقاله‌ای دیگر به تجربه و تحلیل بهتر این ظروف پرداخت.

تشکر و قدردانی

در پایان نگارندگان از مجموعه یگان حفاظت میراث فرهنگی مازندران که به صورت شبانه‌روزی در حفظ و نگهداری از آثار تاریخی و فرهنگی مازندران تلاش می‌کنند و سرکار خانم کوثر پورباقری امین اموال سابق میراث فرهنگی مازندران که امکان مطالعه و تصویربرداری از اشیا را فراهم نمودند نهایت سپاس و قدردانی را ابراز می‌دارد.

پیوست‌ها



تصویر ۲: بشقاب سیمین شماره ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۱: بشقاب منسوب به یکی از پسران شاپور دوم (واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۷).



تصویر ۴: صحنه کمنداندازی بشقاب سیمین ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۳: صحنه کمنداندازی بشقاب سیمین ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹/۱۹۳



تصویر ۶: شمشیر نقش شده در بشقاب سیمین شماره ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۵: یراق لباس، بشقاب شماره ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۸: تاج با تزیینات به شکل شاخ قوچ، بشقاب سیمین شماره ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۷: بشقاب سیمین شماره ۱۴۱۹۴ (نگارندگان).



تصویر ۱۰: تزیینات معماری بدست آمده از عراق (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۱).



تصویر ۹: تزیینات کاخ ساسانی تپه حصار (اشمیت، ۱۳۹۱: ۴۲۶).



تصویر ۱۲: تاج بهرام کوشانشاه (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۱۸۶).



تصویر ۱۱: سکه کوشانی بهرام چهارم (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۸۲).



تصویر ۱۴: شاپور سوم در حال شکار گورخر
(Harper, 1981: 230).



تصویر ۱۳: بهرام کوشانشاه در حال شکار (گیرشمن، ۱۳۷۸: ۱۸۶).



تصویر ۱۶: نقش یک نجیب زاده در کاسه ۱۴۱۹۲ (نگارندگان).



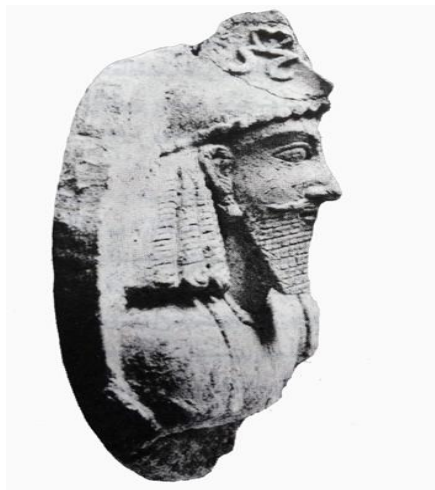
تصویر ۱۵: کاسه نقره به شماره ۱۴۱۹۲ (نگارندگان).



تصویر ۱۸: کاسه نقره دوره ساسانی (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۳۰).



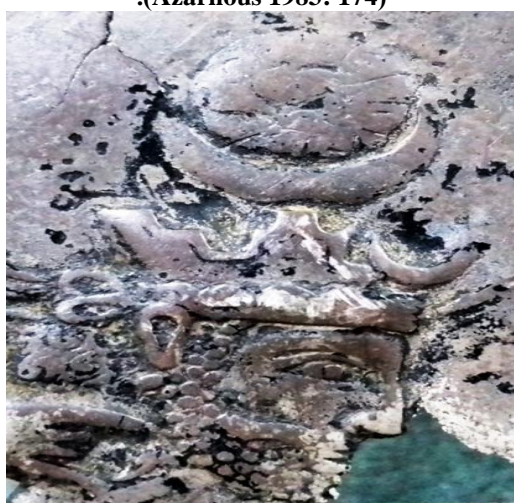
تصویر ۱۷: کاسه نقره دوره ساسانی (احسانی، ۱۳۶۸: ۱۳۰).



تصویر ۲۰: سردیس گچی حاجی آباد فارس (Azarnous 1983: 174).



تصویر ۱۹: کاسه نقره دوره ساسانی (موزه هنر سینسیناتی).



تصویر ۲۲: تاج پیروز یا قباد اول (نگارندگان).



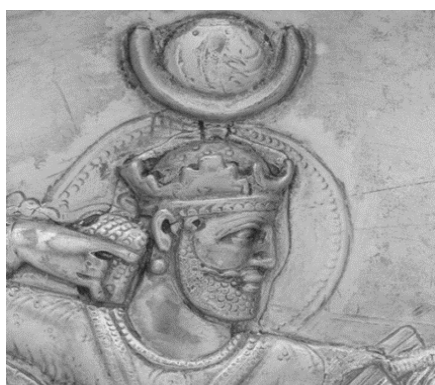
تصویر ۲۱: بشقاب نقره مکشوفه از سوادکوه به شماره اموال ۱۴۲۳۶ (نگارندگان).



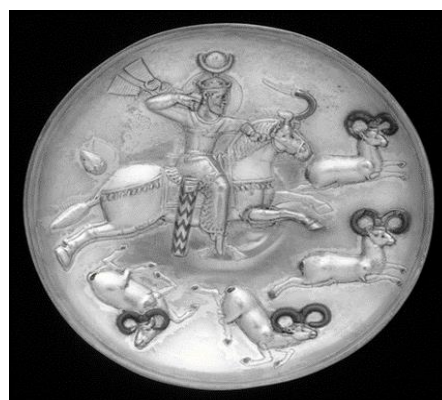
تصویر ۲۴: تاج قباد اول بر روی سکه‌های ساسانی (آورزمانی، ۱۳۸۴: ۹۴).



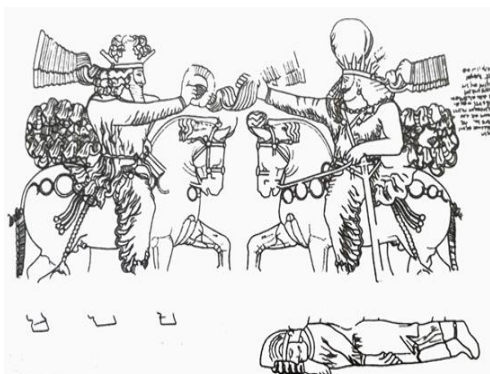
تصویر ۲۳: تاج پیروز بر روی سکه‌های ساسانی (آورزمانی، ۱۳۸۴: ۹۴).



تصویر ۲۶: تاج پیروز یا قباد اول (Harper, 1981: 218).



تصویر ۲۵: بشقاب با نقش پیروز یا قباد اول در حال شکار، موزه مترو پولیتن (Harper, 1981: 218).



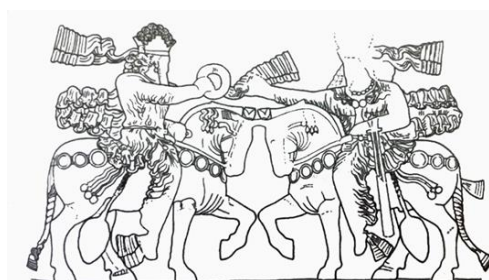
تصویر ۲۸: تزیینات لباس بهرام اول و اسب او در تنگ چوگان (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۲۳۲).



تصویر ۲۷: تزیینات لباس شاه و اسب او (نگارندگان).



تصویر ۳۰: نقش انگور در حاشیه بشقاب شماره ۱۴۲۳۶ (نگارندگان).



تصویر ۲۹: تزیینات لباس بهرام اول و اسب او در نقش رجب (موسوی حاجی، ۱۳۹۶: ۲۳۲).



تصویر ۳۲: تزیینات گچی در بناهای دوره ساسانی (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۰۴).



تصویر ۳۱: تزیینات گچی در بناهای دوره ساسانی (کروگر، ۱۳۹۶: ۲۰۴).

منابع

- آورزمانی، فریدون؛ سرفراز، علی اکبر (۱۳۸۴)، *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، چاپ چهارم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن، (۱۳۶۶)، *تاریخ تبرستان*، تصحیح عباس اقبال، چاپ اول، تهران، پدیده خاور.
- احسانی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی.
- اشمیت، اریخ، (۱۳۹۱)، *کاوش‌های تپه حصار دامغان*، ترجمه کوروش روستایی، چاپ اول، تهران، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سمنان.
- اعظمی سنگسری، چراغ علی، (۱۳۵۷)، (فرمانروایان تبرستان)، (بررسی‌های تاریخی)، آذر و دی ۱۳۵۷، شماره ۷۹، صص ۱۸۹-۲۲۶.
- السی، ه. پک، (۱۳۸۲)، *پوشاک در ایران زمین*، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه پیمان متین، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، صص ۸۳-۱۱۲.
- ایازی، سوری، میری، سیما، (بی تا)، *گچ‌بری در آرایه‌ها و تزیینات معماری دوران اشکانی و ساسانی*، چاپ اول، تهران، موزه ملی ایران.
- بوسایلی، ماریو و امبرتو شراتو، (۱۳۸۳)، *تاریخ هنر ایران (۲) هنر پارتی و ساسانی*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، انتشارات مولی.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۵۲)، *آثار الباقیه عن القرون الخالیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، ابن‌سینا .
- حاکمی، علی، (۱۳۳۴)، (بشقاب نقره منحصر به فرد ساسانی مکشوفه از ساری)، (گزارش‌های باستان‌شناسی جلد ۳)، بی‌جا، صص ۳۲۹-۳۶۴.
- سایکس، سرپرسی، (۱۳۷۰)، *تاریخ ایران*، جلد اول، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، چاپ سوم، تهران، دنیای کتاب.
- سرخوش کرتیس، وستا، (۱۳۹۶)، (نمادنگاری مذهبی در سکه‌های ایران باستان)، (باستان پژوه)، تهران، آریارمنا، صص ۱۴۷-۱۷۲.
- شلدن، جان، (۱۳۸۸)، (هویت قومی و زبانی پارتیان: مروری بر مدارک به دست آمده از آسیای مرکزی)، ترجمه آهنگ حقانی، (باستان‌شناسی و تاریخ)، سال ۲۲، شماره ۲، پیاپی ۴۴، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۶۶-۷۵.
- دیاکونوف، امیخایلوویچ، (۱۳۷۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی.
- کامرون، جورج، (۱۳۸۱)، *ایران در سپیده دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران، چاپ چهارم، علمی و فرهنگی .
- کروگر، ینس، (۱۳۹۶)، *تزیینات گچ‌بری ساسانی*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- کریستین سن، آرتور، (۱۳۷۴)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.
- کنت، رولاند، ج.، (۱۳۸۵)، *پارسی باستان (دستور، واژه، متون)*، چاپ پنجم، (گراور زبان اصلی)، تهران، کتابخانه طهوری.
- گانتز، آن. سی. پل، جت، (۱۳۸۳)، *فلزکاری ایران در دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی*، ترجمه شهرام حیدرآبادیان، چاپ اول، تهران، گنجینه هنر.

- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۸)، *بیشاپور، جلد دوم، موزاییک‌های ساسانی*، ترجمه اصغر کریمی، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه).
- لک پور، سیمین، (۱۳۷۵)، *سفیدروی*، چاپ اول، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مارکوارت، یوزف، (۱۳۷۳)، *ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی*، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، انتشارات اطلاعات.
- مرادی، یوسف، (۱۳۸۱)، *نگاهی دیگر به سرستون ساسانی در عمارت چهل‌ستون اصفهان*، (باستان‌شناسی و تاریخ)، سال هفدهم، شماره اول، پیاپی ۳۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۸-۴۴.
- مرعشی، میرظهیرالدین، (۱۳۶۱)، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، به کوشش محمدحسین تسبیحی، با مقدمه محمدجواد مشکور، تهران، چاپ سوم، مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران، دنیای کتاب.
- موسوی حاجی، رسول. علی اکبر سرفراز، (۱۳۹۶)، *نقش برجسته‌های ساسانی*، چاپ اول، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- نورزاده چگینی، ناصر، (۱۳۶۵)، *مازندران در دوران ساسانی (۱)*، (باستان‌شناسی و تاریخ)، سال اول، شماره اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۴۳-۴۹.
- نورزاده چگینی، ناصر، (۱۳۶۷)، *مازندران در دوران ساسانی (۳)*، (باستان‌شناسی و تاریخ)، سال دوم، شماره دوم، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۱۷-۲۲.
- واندنبیگ، لویی، (۱۳۴۸)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هرتسفلد، ارنست، (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی زاده، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرمان، جورجینا، (۱۳۷۳)، *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان*، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، چاپ اول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- یارشاطر، احسان، (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان (جلد سوم - قسمت دوم)*، پژوهش دانشگاه کیمبریج، ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- Azarnoush, M., 1983. Excavation at Hajiabad, 1977, first preliminary report. *Iranica Antiqua*, vol 18, pp. 159-176.
- Brunner, J., Christopher, 1978, *Sasanian stamp seals in the Metropolitan Museum of Art*, The Metropolitan Museum of Art, New York.
- Dalton, O.M., 1964. *The Treasure of the oxus with other Examples of Early Oriental Metalwork*, 3rd edition, London: British Museum.
- Frye, Richard N., 1954. "A Parthian Silver Bowl." *Artibus Asiae*, Vol 17, N2. <https://www.jstor.org/journal/artibusasiae>.
- Ghirshman, R. 1957, "Argenterie D'un Seigneur Sassanide." *Ars Orientalis*, vol. 2, pp. 77-82.
- Gitty Azarpay, W.B. Henning, 1967, *A Hunting scene on an inscribed sassanian silver vessel*, *iranica Antiqua*, vol. VII, pp. 146-154.
- Harper, Prudence, 1974, "Sasanian Medallion Bowls with Human Busts," in *Studies in Honor of George C. Miles*, ed. D. Kouymjian, Beirut, pp 61-82.
- Harper, Prudence., Pieter, Meyers. 1981. *silver vessels of the Sasanian period*. vol. I, Royal imagery. New York: Metropolitan Museum of Art and Princeton.
- Shepherd, D.G., 1964, "Sasanian Art in Cleveland", *The Bulletin of Cleveland museum of Art*, Vol. 51, N. 4, pp 66-92.
- Tanabe, Katsumi, 1993, *Silk Road Coins, The Hirayama Collection, Kamakura*, A Loan Exhibition at the British Museum Gallery 69A.